

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۷۷
دوشنبه ۳۰ مهر ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۰ ریال

بها نه‌ها برای توجیه قرارداد دو جانبه با آمریکا پایان ندارد!

ندارد. در جریان این «بررسی» متن قرارداد از سوی وزارت خارجه انتشار یافت. ولی معلوم نیست به چه دلیل چهار موافقت نامه ضمیمه آن منتشر نشد تا اکنون هم منتشر نشده‌اند. (این ضمایم، چنانکه خوانندگان «مردم» میدانند، عبارتند از: موافقت نامه نظامی بین ایران و آمریکا، موافقت نامه دفاعی بین ایران و آمریکا، موافقت نامه استفاده از مستشاران آمریکایی در ایران و موافقت نامه کمک‌های مسلح، یعنی خرید اسلحه ایران از آمریکا)

بقیه در صفحه ۳

در لفاقه سکوت برگزار شد. قرارداد دو جانبه نظامی، که مکمل «ستوه» و بدتر از «ستوه» است، همراه با «ستوه»، لاف‌های «پرونده» آن از «ستوه» جدا شد و در کاغذ مستند سکوت نهاده شد. سپس در اثر فشار افکار عمومی این سکوت بناچار شکسته شد و «بررسی» آن آغاز شد. «بررسی» البته بهانه برای توجیه سستی بود، زیرا سستی که بی‌هیچ زورده و باوقاقت خاص دیپلوماسی «دالی» به ایالات متحده آمریکا حق و اختیار می‌دهد که در هر زمان صلاح بداند با ایران لشکر کشی کند و کشور ما را بی‌هیچ قید و شرطی اشغال نماید، نیاز به «بررسی»

۸ ماه است که از انقلاب ضد امپریالیستی (استقلال طلبانه) مردم ایران می‌گذرد و قرارداد دو جانبه نظامی با امریکه عمده‌ترین سند ناقض استقلال کشور ما، گویا ترین سند سلطه سار تبه‌خیز امپریالیسم امریکا بر کشور ما، هنوز نافذ و معتبر است. واقعه تملک در لغو این قرارداد از نظر مردم، که برای رحایی کشور از یوغ سلطه استعماری امپریالیستی چون تن واحد بی‌باختند و انقلاب آزادیبخش معجزه آسای ایران را آفریننده، عجیب و غریب است. واقعه از نظر شخصیتها و سازمانهای سیاسی و قوادار به انقلاب تملکی است ناشی از فعالیت دیپلوماسی امریکا در حفظ سلطه سیاسی نظامی خود در ایران و نیز ناشی از سستی دیپلوماسی دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در تأمین استقلال کشور. این سستی قابل توجیه نیست و هیچ بهانه‌ای برای توجیه آن مردم را قانع نمی‌کند. این سستی ابتدا

تورم و گرانی چهار نعل پیش می‌تازد

انقلابی عمل کنیم، باید از ریشه و بنیاد آغاز کنیم. اگر می‌خواهیم از ریشه و بنیاد آغاز کنیم، باید هر چه زودتر به کار بپردازیم. ملی کردن صنایع و بانکها را زمانی آغاز کردیم که دشمن کار خود را تقریباً به پایان رسانده بود. میلیاردها بعسرت ارز خارجی و ریال داخلی از کشور خارج کرده بودمشتی کارخانه ورشکسته و بانک غارت شده از خود بجای گذاشته بود. نتیجه آنکه، تمدادی کارخانه و بانک از هم پاشیده و بدهکارا ملی کردیم و تاگزیر نازشتی هم بر زیر کی آنان و تاوانی بر ندانم کاری‌ها و وجه بساخار بکارها در داخل خود، پرداختیم.

درباره تورم و گرانی و گرانی فروشی، «مردم» بازهاستدار داده، باین بس نکرده، راه‌نموده، راه‌های بنیادی. از آنجمله است «کنترل شدید بازرگانی خارجی، بندگرفتن انحصار بازرگانی خارجی مربوط به کالاهای مصرفی»، که امروز بجای آن باید از بندگرفتن انحصاری تمام بازرگانی خارجی، هم در مورد کالاهای مصرفی، هم کالاهای واسطه و هم کالاهای سرمایه‌ای سخن گفت.

به صنایع کشور، به صنایع بزرگ، بشکرید، هشتاد درصد مواد اولیه صنایع ماشین آلات سنگین و وسایل فلزی از خارج وارد میشود، ۷۵ درصد مواد اولیه صنایع داروئی، ۷۱ درصد صنایع نساجی، ۷۰ درصد صنایع غذایی، ۶۰ درصد صنایع چرم و کفشد، و کارتن و حتی ۵۹ درصد مواد اولیه صنایع ساختمانی را بسته خارج است. اگر مجموع صنایع بزرگ را در نظر بگیریم، این وابستگی به ۷۲ درصد میرسد. اینها همه از نتایج «معجزه اقتصادی» رژیم پهلوی است.

تورم و گرانی ادامه دارد و بی مانع و رادع قوس صعودی خود را طی میکند. سودجویان و محتکران، کسانی که در انقلاب حتی خون ازدهاشان جاری نشد، سوار بر مرکب، این بار مرکبی آراسته بارنگ انقلاب، چهار نعل به پیش می‌تازند، چه بسا تکبیر گویان، ولی مقامات مسئول دولتی یا خاموشند و بی تفاوت، یا در حال پیامند و ندا و همگی بی اثر و بی نتیجه. اگر هم تدبیری در میان باشد، بی سیاست است و بی سیاست بی تدبیر و نتیجه باز هیچ.

تورم و گرانی اکنون آرام و خزیده نیست، تا آنرا نبینی. در زمان گذشته هم نیست تا به لحن و نفیرن طلاغوت پیشینی و زمان که رسید به نا بودیش برخیزی. تورم و گرانی خروشان است و جهان به تراز آن در دوران انقلاب، اگر چیزی، ولو ناچیز، ولی ملموس به مردم ندهد، یا لااقل امید، ولو کوچک، ولی روشن در دلها نشاند، فقط به نهای ایمان و وعده آسمان یا نخواهد گرفت و به پیش نخواهد رفت که با میلیون‌ها انسان، انسان ناسوتی سرور کار دادونه باسند و هزارها انسان لاهوتی، این تجربه تاریخ است، تجربه‌ای که باید از آن درس گرفت، تادیر نشد.

دیدیم که تدابیر دولت، اگر تدبیرش بناموم، نتیجه‌ای بیار نیارود، مگر مسموم، دیدیم که پندویام هم، گرچه از دل برخاسته بود، بر دلها نشست، که دلها برای زر می‌طپیدند و آژ، حدوتهمزیر هم، با همه ناهنجاریش، کاری از پیش نبرد، که بهشت دامنگیر زمینگیران «بازار» بود، تا سازندگان جو وضای آن.

اگر انقلابی هستیم، باید انقلابی عمل کنیم. اگر می‌خواهیم

دادن زمین به دهقانان کم زمین و بی زمین - یعنی اصل اساسی و هسته مرکزی یک اصلاحات ارضی بنیادی و واقعی - خواست میلیونها زحمتکش روستائی است. این خواست با منافع عالیها انقلاب ما تطابق دارد و نیروی اجتماعی لازم را برای دفاع از انقلاب و پیشبرد آن تجهیز میکند. اجرای این خواست دست از پان و زمینداران بزرگ رانه‌تتها از یک منبع غارتگری وحشیانه، بلکه از یک اهرم قوی عملیات ضد انقلابی کوتاه میکند. انقلاب بزرگ خلقی ما باید با سیاستگوی صدیقی و واقع این خواست باشد.

اما وزارت کشاورزی، زیر رهبری آقای ایزدی وزیر کشاورزی، نه فقط به این خواست کمترین توجهی ندارد، بلکه دست در جهت عکس آن عمل میکند. کلیه تدابیر وزارت کشاورزی در زمینه مسئله مالکیت متأسفانه بسود مالکان بزرگ و بزرگان دهقانان زحمتکش است. این امر شایده از جهت شخصی شکفتن انگیز باشد، ولی از جهت منافع انقلاب قبول کردنی نیست.

از جهت شخصی تمجب ندارد، زیرا که آقای ایزدی خود از مالکان بزرگ فارس است، و بطوریکه در سمینار اخیر کشاورزی فاش شد، صاحب سه هزار هکتار زمین مزروعی است. اگر در نظر آورید که دهقانان خرده‌های «صاحب زمین»، گاه نیم هکتار یا یکی دو هکتار زمین دارند، آن گاه معلوم میشود که آقای وزیر کشاورزی - مامور پیاده کردن طرحهای انقلابی، در این زمینه - دارای چه وابستگی‌های طبقاتی است و چسرا نمیتواند مجری چنین نقشه‌هایی باشد و بر عکس سنگ راه میشود. در همان سمینار گفته شد که، اشتیاق آقای وزیر چندان هم کم نیست و ایشان خیال دارند مساحت زمینهای خود را به شش هزار هکتار برسانند. از چنین وزیر جزی این انتظار نمیرود. که قانون «نحوه واگذاری»، اصلاحات کذائی شاهانه را تائیت کند و اصل منسوخ و ضد دهقان - و بقیه اسلام شناسان، ضد اسلالمی «مؤازعه» را دوباره بر سمیت شناخته و قانونی کند.

خبری دیگر، که اطلاع از کم و کیف دودستی

تورم و گرانی ادامه دارد و بی مانع و رادع قوس صعودی خود را طی میکند. سودجویان و محتکران، کسانی که در انقلاب حتی خون ازدهاشان جاری نشد، سوار بر مرکب، این بار مرکبی آراسته بارنگ انقلاب، چهار نعل به پیش می‌تازند، چه بسا تکبیر گویان، ولی مقامات مسئول دولتی یا خاموشند و بی تفاوت، یا در حال پیامند و ندا و همگی بی اثر و بی نتیجه. اگر هم تدبیری در میان باشد، بی سیاست است و بی سیاست بی تدبیر و نتیجه باز هیچ.

تورم و گرانی اکنون آرام و خزیده نیست، تا آنرا نبینی. در زمان گذشته هم نیست تا به لحن و نفیرن طلاغوت پیشینی و زمان که رسید به نا بودیش برخیزی. تورم و گرانی خروشان است و جهان به تراز آن در دوران انقلاب، اگر چیزی، ولو ناچیز، ولی ملموس به مردم ندهد، یا لااقل امید، ولو کوچک، ولی روشن در دلها نشاند، فقط به نهای ایمان و وعده آسمان یا نخواهد گرفت و به پیش نخواهد رفت که با میلیون‌ها انسان، انسان ناسوتی سرور کار دادونه باسند و هزارها انسان لاهوتی، این تجربه تاریخ است، تجربه‌ای که باید از آن درس گرفت، تادیر نشد.

دیدیم که تدابیر دولت، اگر تدبیرش بناموم، نتیجه‌ای بیار نیارود، مگر مسموم، دیدیم که پندویام هم، گرچه از دل برخاسته بود، بر دلها نشست، که دلها برای زر می‌طپیدند و آژ، حدوتهمزیر هم، با همه ناهنجاریش، کاری از پیش نبرد، که بهشت دامنگیر زمینگیران «بازار» بود، تا سازندگان جو وضای آن.

اگر انقلابی هستیم، باید انقلابی عمل کنیم. اگر می‌خواهیم

دادن زمین به دهقانان کم زمین و بی زمین - یعنی اصل اساسی و هسته مرکزی یک اصلاحات ارضی بنیادی و واقعی - خواست میلیونها زحمتکش روستائی است. این خواست با منافع عالیها انقلاب ما تطابق دارد و نیروی اجتماعی لازم را برای دفاع از انقلاب و پیشبرد آن تجهیز میکند. اجرای این خواست دست از پان و زمینداران بزرگ رانه‌تتها از یک منبع غارتگری وحشیانه، بلکه از یک اهرم قوی عملیات ضد انقلابی کوتاه میکند. انقلاب بزرگ خلقی ما باید با سیاستگوی صدیقی و واقع این خواست باشد.

اما وزارت کشاورزی، زیر رهبری آقای ایزدی وزیر کشاورزی، نه فقط به این خواست کمترین توجهی ندارد، بلکه دست در جهت عکس آن عمل میکند. کلیه تدابیر وزارت کشاورزی در زمینه مسئله مالکیت متأسفانه بسود مالکان بزرگ و بزرگان دهقانان زحمتکش است. این امر شایده از جهت شخصی شکفتن انگیز باشد، ولی از جهت منافع انقلاب قبول کردنی نیست.

از جهت شخصی تمجب ندارد، زیرا که آقای ایزدی خود از مالکان بزرگ فارس است، و بطوریکه در سمینار اخیر کشاورزی فاش شد، صاحب سه هزار هکتار زمین مزروعی است. اگر در نظر آورید که دهقانان خرده‌های «صاحب زمین»، گاه نیم هکتار یا یکی دو هکتار زمین دارند، آن گاه معلوم میشود که آقای وزیر کشاورزی - مامور پیاده کردن طرحهای انقلابی، در این زمینه - دارای چه وابستگی‌های طبقاتی است و چسرا نمیتواند مجری چنین نقشه‌هایی باشد و بر عکس سنگ راه میشود. در همان سمینار گفته شد که، اشتیاق آقای وزیر چندان هم کم نیست و ایشان خیال دارند مساحت زمینهای خود را به شش هزار هکتار برسانند. از چنین وزیر جزی این انتظار نمیرود. که قانون «نحوه واگذاری»، اصلاحات کذائی شاهانه را تائیت کند و اصل منسوخ و ضد دهقان - و بقیه اسلام شناسان، ضد اسلالمی «مؤازعه» را دوباره بر سمیت شناخته و قانونی کند.

خبری دیگر، که اطلاع از کم و کیف دودستی

حزب توده ایران
راه حل مسالمت
آمیز و مبتنی بر
رفع ستم ملی از
حلق کرد رایگانه
راه حل مسئله
کردستان میدانند
و آماده است در
این راه، با تمام
نیرو و امکانات
خود، به دولت
موقت جمهوری
اسلامی ایران
صادقانه باری کند

آیا ایران
میتواند
گورستان
امپریالیسم
شود؟

نماینده ایران در کمیسیون
دوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد
درباره اقتصاد ایران گفت، «آنچه
از این رشد اقتصادی دروغین، که
زیرمبنای آن می‌باشد، باقی
مانده، ملتی است که منابع طبیعی‌اش
غارت شده، اقتصاد در هم ریخته
و ارزشهای اجتماعی و فرهنگی‌اش
لگدمال شده است. برنامه‌های
گذشته بجای توسعه اقتصادی و
اجتماعی، وابستگی اقتصادی و
اجتماعی را ایجاد نمود. قسمت
اعظم درآمد ملی، که صرفاً بقابت
تسلیماتی بی‌بهره میگشت، به چند
کشور غربی سرازیر بود و باقی آن
نیز صرف طرحهای توسعه صنعتی،
که به مقرون به صرفه و نه اقتصادی
بودند، میگردد. آنچه هم‌این
صنایع به اشتراک داشتند و وابستگی
اقتصادی به خارج بود

ایران در آینده به توسعه
کشاورزی، که رژیم گذشته آنرا
به نایب کشتی، اولویت خواهد
داد. سطح تولید نفت بر اساس
انتخابات اقتصادی ملی و نیازهای
واقعی توسعه کشور و مردم تعیین
خواهد شد و به همین منظور خرید -
های عظیم نظامی و پروژه‌های
بزرگ و کاذب اقتصادی متوقف
شده‌اند. برنامه اقتصادی راست‌انژی
توسعه ایران در آینده تغییرات
زیادی خواهد کرد و هدف آن استحکام
پیشین و با استقلال ملی و اقتصادی
کشور است.

آنچه نماینده ایران در مجمع
عمومی سازمان ملل متحد بر زبان
آورده است، در کلیت بسیار به
واقعیت نزدیک است، و آنجا که
اشاره به آینده برنامه‌های اقتصادی
ایران میکند، باعث امیدواری
است. اما مردم ایران، همچنان که
آیت الله مجتهد شبستری در
بقیه در صفحه ۲

پاسخ رفیق کیانوری به پرسش آقای نریه

اگر يك مسئول توده‌ای بجای
آقای نریه، در شرکت ملی نفت
بود، چه میکرد؟

بقیه در صفحه ۳

پاکسازی ارگانهای انقلاب

مقاله اول: کمیته‌ها
بس است! پاکسازی کمیته‌ها را دیگر عقب
نیاندازید
حزب توده ایران بارها درباره نفوذ عوامل ناپاب
و ساواکیها در کمیته‌ها هشدار داد، اما مسئولان
نخواستند بشنوند.

بقیه در صفحه ۲

حقایق درباره گروه فرقان چرا منتشر نمی‌شود؟

رهبر گروه فرقان شناسائی شد و عکس او در جراید
به چاپ رسید. آیت‌اله قدوسی، دادستان کل انقلاب،
اعلام کرد:
«گروه فرقان همگی از سوی دادستانی انقلاب شناسائی
شده و تعداد زیادی از این افراد دستگیر شده‌اند، اما چند
نفر از این گروه که متواری هستند و هر روز خود را به لباسی
درمی‌آورند، هنوز دستگیر نشده‌اند، که با شناسائی آنها امید
آن می‌رود که بزودی دستگیر شوند.»

دادستان کل انقلاب با اعلام این خبر از ملت ایران خواست که
برای دستگیری این افراد همکاری کنند.
در این تردید نیست که مردم ایران به این پاسخ دادستان جواب
مثبت خواهند داد، زیرا بروشنی دریافته‌اند که گروه فرقان ابزار
امپریالیسم است و هدفی جز ضربه زدن به انقلاب ایران ندارد.
اما در جواب این کمک، مردم ایران، که آرام آرام همه جریانات
ملکتی از آنها پنهان نگهداشته میشود، حق دارند که از حمایت این
گروه، نحوه فعالیت و هدفهای آن دقیقاً مطلع شوند.

افشای حقایق درباره گروه فرقان، که تاکنون مخفی نگهداشته
شده، نه تنها پاسخ بخواست برحق مردم است، بلکه برای شناسائی
دشمنان انقلاب و شیوه‌های آنها بسیار ضروری است.
از روز سوم اردیبهشت‌ماه امسال، که سر لشکر قرمبی توسط
گروه فرقان ترور شد و این گروه رسماً فعالیت تروریستی خود را
آغاز کرد، بیشتر از تمام می‌گذرد. در این مدت، عمال جنتیکار این
گروه، ۷ ترور انجام داده‌اند، که متأسفانه در ۵ مورد موفق بوده‌اند.
اندکی توجه نشان میدهد که ترورهای فرقان کاملاً برنامه‌ریزی شده
است، از جمله بر این نکته باید تأکید کرد که
«تمام کسانی که توسط ضد انقلاب ترور شده‌اند بدون
استثناء از یاران امام بوده و صرفاً در خط امام و فرمان امام
حرکت و مبارزه می‌کرده‌اند» (جمهوری اسلامی - ۲۸ مهر) این
واقعیت نشانگر یکی از گوشه‌های فعالیت گسترده امپریالیسم برای
بقیه در صفحه ۲

در صفحات بعد:

جواب دولت در مورد کردستان قانع کننده نیست

موضوع گیری اجتماعی
وجسارت مدنی
دومین قسمت سخنرانی
رفیق فیدل کاسترو در
سازمان ملل متحد
قدرت قضایی در دست
کیست؟

بقیه در صفحه ۲

قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود

نطق فیدل کاسترو و در سازمان ملل متحد



بخش دوم سخنرانی فیدل کاسترو، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست و رئیس شورای دولتی و نخست وزیر جمهوری کوبا در اجلاس هیئت عمومی سازمان ملل متحد

کشورهای غیرمتحد، برغم همه فشارهای دولت آمریکا، در کنفرانس هاوانا، از نو همبستگی خود را نسبت به خلق پورتوریکو و حقوق حق آن برای آزادی، تمهین سر نوشت، استقلال و تمامیت ارضی ابراز داشتند. کشورهای متعهد دولت آمریکا را به خودداری از توطئه بمنظور ابقای این کشور بحال مستعمر، فراخواندند. شریک کنندگان کثرت فرانس، رویدادهای انقلابی در گرنادا، پیروزی درخشان خلق نیکاراگوئه بر مری جبهه راهائی بیخ ملی ساندنسترا را مورد توجه قرار داده تاکید کردند که این کامیابها و پیروزیها درس نوشت خلقهای آمریکای لاتین و همه جهان اثرات مثبت و مهمی دارد.

در کنفرانس هاوانا از حقوق خلق کوبا در تمهین و انتخاب سیاست و نظام اجتماعی خود و از خواست این خلق در مورد آزاد شدن سرزمین انقلابی، که پایگاه گوانتانامو در آن استقرار یافته پشتیبانی کردند.

در کنفرانس تاکید شد که ایالات متحده آمریکا قصد دارد که به کمک این پایگاه نظامی، کوبا را همچنان در محاصره قرار

بمنظور ایجاد تفرقه در میان کشور های در حال رشد استفاده کنند، محکوم نمود. انصارات چندملیتی نفت در یک زمان، هم کشورهای صادر کننده نفت و هم کشورهای مصرف کننده نفت را استثمار میکنند و از این راه درآمدهای سرسام آوری بچنگ میآورند. آنها در عین حال تلاش دارند که گناه بجران انرژی کنونی را به گردن کشورهای صادر کننده نفت بیاورند.

انصارات چندملیتی منابع نفت این کشور را غارت کرده، این منابع را بی رمق میسازند، مجموعه اقتصاد این کشورها را به بی ثباتی میکشاند، حق حاکمیت و استقلال ملل این کشورها را نقض میکنند و عملد را مورد داخلی این کشورها مداخله میکنند.

انصارات دو دلال امپریالیستی با تلاشهای خود در زمینه مسابقه تسلیحاتی، تمام نیروی کار انسانی و منابع مادی را در راه امور غیر تولیدی، اسراف و فعلیتهای خطرناک برای سر نوشت چشامه بشری بکار میگیرند. کشورهای در حال رشد و نماینده آنها جنبش غیر متعهدها، این اقدام را مردود میدانند و خواستارند که بخش اعظم این منابع، که برای مسابقه تسلیحاتی مصرف میشود در راه نیازمندیهای خلقهای کشورهای در حال رشد مصرف شود، بطوریکه در عین حال به کاهش خطر جنگ و بهبود اوضاع بین المللی مساعدت کند.

پارها در این مورد تاکید شده است که کشورهای در حال رشد قریباً بی عقب ماندگیهای اقتصادی هستند که در نتیجه استثمار و سلطه امپریالیسم و نو استعمار در این کشورها به بارش میآید. **کشورهای سوسیالیستی در این غارتگری بین المللی شرکتی ندارند و در مقابل عقب ماندگی**

مستولان دلسوز جانب دهقانان را می گیرند نه فئودالها

سید علی محمد دستغیب، چند هفته قبل، روز بزرگاری نماز جمعه، طینک سخنرانی درباره وضع کار و زندگی گران سخت و اسفبار کشاورزان و تجارز خوانین و فئودالها، حقوق آنها، از مردم خواست که بر دستاها بروند تا از نزدیک به دست طبقاتی که به کشاورزان و خوش نشینان وارد میشود و محرومیت آنها از ابتدائی ترین وسائل زندگی، زمین، نان، آب آشامیدنی، مدرسه، بهداشت، برق، راه و غیره، آشنا گردند.

حقایق درباره گروه فرقان چرا منتشر نمیشود؟

بقیه از صفحه ۱
تضعیف رهبری انقلاب و پراکندن یاران صدیق امام است. علاوه بر این، هدف فرقان، جایگزین کردن منطق گلوله به جای منطق کلام و گسترش دادن ترور در کشور و ایجاد هرج و مرج از این طریق است. متأسفانه تا به این زمان که در این زمینه هم دشمن کم و بیش موفقیت داشته و بنا به گزارش روزنامه کیهان، در ۵ ماه گذشته، ۹ ترور در نقاط مختلف کشور روی داده، که کسی مسئولیت آن را نرابطه نکرده است.

این واقعات این دورپیش را مطرح میکند: ۱- در مقامات این سازمان ترور ترور سر لشکر قری در ۶ ماه پیش، همه مقامات مملکتی آنرا توطئه سیا و ساواک دانستند، چگونه تاکنون نتوانسته اند قاتلان راستگیر کنند و یا چنانچه نتوانسته اند جلوی انجام این ترورها را بگیرند؟ ۲- در حالیکه تاکنون دهها بار خرید دستگیری اعضای گروه فرقان در جریان آمده، چرا از انتشار حقایق درباره آن خودداری شده است؟ ما از مقامات مسئول کشور، از جمله دادستان کل کشور میخواهیم که حقایق درباره گروه فرقان را افشا کنند. بسا افتخاری اطلاعات بدست آمده از این گروه میتوان جبهه ضد انقلاب را تضعیف کرد و به مردم یاری رساند تا دشمن دوست را از یکدیگر تمیز دهند. بار دیگر تاکید میکنیم که مردم در این بداندند قاتلین استادهای رهبری سر لشکر قری و دیگران چه کسانی بوده اند، دقیقاً از کجا هدایت میشدند و بوجه دلیل عواملی سعی داشته اند جنگ جدیدی - نمعی در ایران به پا کنند و حتی از این ترورها برای برآوردن اخبار و اطلاعات ضد و کونیستی سوء استفاده کنند.

آیا ایران میتواند گورستان امپریالیسم شود؟

بقیه از صفحه ۱
چهل و دو گشت زنده یاد آیت الله طالقانی، در بهشت زهرا، عنوان کرد، در انتظار مشخص شدن روند و خط اقتصادی آینده ایران هستند. همین خط اقتصادی است که میتواند به این شمار انقلابی و دانشجو آیت الله طالقانی و دانشجو آیت الله طالقانی، که «ایران باید گورستان امپریالیسم شود»

جواب دولت در مورد کردستان قانع کننده نیست

چند روز پیش «مردم» گزارشی را که در جریان کشور، بنام گزارش مهدی بهادران، نماینده امام خمینی، درباره حوادث کردستان درج شده بود، منتشر ساخت، و اینک جوابی را که دفتر نخست وزیر طی اعلامیه ای به این سند داده است (نقل از پیامداد ۲۸ مهر) درج میکنیم و همزمان نظر خود را درباره گزارش مهدی بهادران نظر خود را گفته بودیم، اعلامیه دولت را نیز مورد تفسیر قرار میدهیم.

ابتدا جواب دولت «طی تماسی که خبر نگار خبری گزیری پارس یادداشت نخست وزیر درج به اظهار نظر آقای بهادران گرفت، تاکید شد که آقای بهادران نماینده امام در منطقه نبوده و نیستند و از آن منطقه به همین علت احضار شده اند و مسئله دیگری که در مورد پخش سلاحها توسط دکتر چمران متذکر شده بودند، کذب محض است و چگونگی چیزی نبوده و اصولاً ایشان مسئولیت و مأموریت توزیع سلاحها در این هیچ دسته و گروهی را نداشته است.

زناندرمیری دنباله طرح پاکسازی منطقه خود، عده ای از افراد بومی و مسلمان را بعنوان سرباز داوطلب استخدام نموده، که تحت فرماندهی گروهی از زناندرمیری خدمت کنند، ناپسندیده بایلی و بی سواد را با خود بردند. سلاحها را در دسته خاصی سلاح توزیع کردند و اگر هم سلاحی قیلاقیست در دسته شده بود در این جریانات اخیر چنین اقدامی نشده و نخواهد شد.

قبل از اینکه بتفسیر اعلامیه دولت بپردازیم، لازم میدانیم از دولت گله کنیم که در میان جریان کشور تبعیض قائل میشود و اعلامیه و دیگر اسنادی را که در اختیار مطبوعات میکند، برای «مردم» نمیفرستد و لذا ما مجبور به نقل قول از جریان دیگر میشویم. درباره اعلامیه دفتر نخست وزیر، قبل از هر چیز باید بگوئیم که، تنها جواب صریح و قاطعی که در این اعلامیه بگزارش مهدی

بهادران داده شده، این است که میکوبید، آنچه در مورد پخش سلاحها توسط دکتر چمران متذکر شده بودند، کذب محض است. بقیه جوابهای دولت مهمی، کتب و دوپهلوی است و قسمت اعظم مطالب آقای بهادران در این اطلاعیه بی جواب مانده است.

در باره مسائلی که به تسمار ظهور نژاد و سرنگ شهزادان و سایر فرماندهان ارتشی و ژاندارمری و به فرماندهان فعلی کردستان و آذربایجان غربی و سیاه - نسبت داده شده، درباره اعمال چنانچه در اسنادهای ژاندارمری و مجاهدت نامه های نقده تحت سرپرستی آقای محمودی و سرگرد نجفی، درباره استوار بگلر می، درباره «ملانما» های ساواکی یا متعصب و ضد کرد و فئودالهای مسلح که توسط ارتش و ژاندارمری مسلح شده اند، که حتی دادگاه انقلاب و سپاه پاسداران انقلاب «قدرت کافی برای جلوگیری از آنها را ندارند» یعنی مطالبی که در گزارش مهدی بهادران ذکر گردیده، جواب توضیح دولت چیست؟

در مورد دیگر مطالب گزارش از قبیل مسلح شدن فئودالها علیه مستضعفین، تحریک خصومت بین ترک و کرد، قتل عام قارنا، غارت و آتش سوزی قتلدهات، تحریک احساسات ضد کردی، انتقامجویی بر ضد کردهای معصوم، جلوگیری از دستگیری و مجازات عاملین این جنایتها، که همه در اعلامیه نخست وزیر و مسکوت مانده، دولت چه تحقیقاتی کرده و چه توضیحاتی برای مردم دارد؟

فرض میکنیم که آقای بهادران نماینده امام در منطقه نبوده، ولی بالاخره او یک ایرانی، یک مسلمان و یک انسانست، با بختار خود ۲۵ روز در کردستان تحقیق کرده و نتیجه را در گزارش تقدیم مسئولان امور کرده است. بعنوان اینکه او نماینده مذاکرات مسالمت آمیز به نتیجه میرسد.

قدرت قضائی در دست کیست؟

کمیت مرکزی حزب توده ایران به دادستانی کل انقلاب در این باره آقای مهدی کیهان رسیدگیول بازرداشت شده و باید آزاد شود، تاکنون بلا جواب مانده است.

در پاسخ سؤال خوشبوایندان و دوستان آقای کیهان، مقامات دادستانی کل اعلام میدارند که، چون هیچ اتهامی علیه نامبرده وارد نشده و پرونده را به اداره دوم ستاد ارتش احاله کرده اند، مقامات اداره دوم ستاد ارتش به نوبه خود میگویند، آقای کیهان مرتکب جرمی نشده و علتی برای بازرداشت ایشان در دست نیست.

ولی علیرغم همه این اظهارات، آقای کیهان اکنون ۱۹ روز است که بطور غیر قانونی در بازداشت بسر میبرد. چنین سوالی پیش میآید که، با وجود دستورات صریح و مکرر دادستانی کل انقلاب مبنی بر اینکه، هیچ شخص یا مقامی حق بازرداشت اشخاص را بدون حکم دادستانی

ندارد، در صورت بازرداشت، ظرف ۲۴ ساعت باید علت علت به شخص بازرداشت شده ابلاغ شود، اولاً به چه مجوزی با بچه حکمی ماموران کمیته در فرودگاه، آقای کیهان را بازرداشت کرده اند؟ ثانیاً چرا تاکنون که ۱۹ روز از آن تاریخ میگذرد، علت بازرداشت را به نامبرده ابلاغ نکرده اند؟ ثالثاً ماموران دادستانی و اداره دوم ستاد ارتش بر چه اساس آقای کیهان را بدون هیچگونه مجوز قانونی بصورت بازرداشتی تحویل گرفته و تاکنون بلا تکلیف در بازداشت نگاه داشته اند.

بشمارا، بازرداشت آقای کیهان، بموجب قوانین مجازات عمومی و قوانین انقلابی، عملی است غیر قانونی و مسبب آن، اعم از ماموران بازرداشت کننده در فرودگاه، که وی را به دادستانی کل اعزام داشته اند و ماموران دادستانی کل انقلاب و مقامات ماموران اداره دوم ستاد ارتش، که در این ماجرا دخالت داشته اند و با سلب آزادی و امنیت قضائی از آقای کیهان، مرتکب عمل غیر قانونی شده اند، بایستی مورد بازرداشت جدی قرار گیرند. زیرا اینگونه اعمال غیر قانونی، علاوه بر سلب امنیت از افراد، به وجه انقلاب نیز لطمه میزند. ما از دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران معسرا میخواهیم که بیدرنگ دستور آزادی آقای مهدی کیهان را صادر کنند.

تقویت ژاندارمهای امریکادر خاورمیانه امپریالیسم آمریکا کماکان ژاندارمهای خود در خاورمیانه، یعنی رژیم سادات واسرائیل را مسلح میکند. مجلس نمایندگان آمریکا لایحه ای را تصویب کرد که بموجب آن ۸۷۵ میلیون دلار به اسرائیل و ۷۵ میلیون دلار به رژیم مصر کمک نظامی خواهد شد. نیازی به توضیح نیست که اسرائیل از سلاحهای اهدائی آمریکا برای حمله به اعراب و بویژه به فلسطینیها در جنوب لبنان استفاده می کند و رژیم سادات نیز سلاحهای امریکایی را برای سرکوب مبارزه مردم معس و جنبشهای بخش منطقه بکار میگیرد.

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران آغاز ۳۹ سال امین سال زندگی پر افتخار حزب توده ایران، حزب شهیدان را به شما رفقای عزیز و کلیه اعضاء و هواداران حزب تهنیت میکنیم. گروهی از مصلحان هوادار حزب توده ایران

موضع گیری اجتماعی و جسارت مدنی

اگر برخی دوستان انقلابی خلق به نادرستی و نارسائی مواضعی که نخست برگزیده اند، پی برده اند موظفند که در خود شهامت تجدید موضع رای بیاورند و در قفس «سنت» و «ملاحظات» محبوس نمانند

باید در رزم اجتماعی جانب داشت، موضع داشت، هدفی را برگزید، بمسائل کلی مربوط به تکامل و بهبود یافت جامعه اندیشید، از منافع صنفی خود در مبارزه جمعی دفاع کرد، از انضام سیاست و فلسفه تاریخ بشری سر در آورد و بخشی از خاندان بزرگ انسانی بود و بزیر بنه های فیار آلود هوسهای انفرادی خود ننخیزد. باید در متن جوشان تاریخ عمل کرد، نه در حاشیه خاموشی و کپک زده آن. انزیمان از رانی تا کنون، وضع در جامعه ما بی تغییر گشته است. جامعه بدست سیاسی شده است. در عاقل و عاقل های بلوچستان، زمان ما با مشور از مسائل سیاست روز سخن می گویند و باین نکته، با شنیدن مصاحبه های گاه بسیار جالبی که در رادیوی تهران پخش میشود، میتوان اطمنان یافت. سیاست، که زمانی زینت اشراقیت پوسیده سفارت شناس بود، اینک به سلاح رزم در دست شبان عشیره ای، آبیاری روستاها و مردم ساده و مرعوب بدل شده است. در این شرایط، مطالبه آنکه باید همیدان رویت وسیع داشته، در لاک خود و خانواده نخیزد، نقش تاریخی و اجتماعی خود را در دفاع از آرمانهای مترقی ایفاء کرد، مطالبه ایست که بازتاب آن در مقیاس با دوران از رانی، بر مراتب و بر مراتب نیرومندتر است. داشتن موضع گیری سیاسی و اجتماعی شرط لازم است، ولی شرط کافی نیست، باید

این پدیده امروز نیز باقی است. در میان چپ های صدیق، که نظری جز درک حقیقت ندارند، حوادث و بحث ها، تحولات فکری پدید آورده و پدید می آورند، دهها وصفا تن از این انقلابیون جوان مدتهاست به تالیف دیگری، غیر از آنچه که با آن آغاز کرده بودند، رسیده اند، ولی در خود آن جسارت مدنی را ندیده اند که هویت نوین سیاسی خود را اعلام دارند.

اینکار ضرور است. نه فقط برای آنکه حزب توده ایران گویا به نفرت و مبارزات نو نیازمند است. این نیاز را ما آنکار نمی کنیم ولی اینکار ضرور است بیشتر به سبب آنکه، هر قدر گمراهی های سیاسی در میان عناصر چپ صدیق زودتی خاتمه پذیرد، همان اندازه برای جوسازی کشور ما، برای اتحاد همه نیروهای انقلابی راستین بهتر است.

این سلسله حوادث دوران پس از انقلاب نشان داد که سمت گیری درست مبارزان صدیق چپ، چقدر می توانست بر شدت سوء حوادث کمک کند. این نوع امور شوخی بردار بود. با پستی بردار، لوطیگری بردار، تجمع بردار نیست، در این نوع امور باید قاطع، گستاخ و سرخ عمل کرد.

مابین سخنان را در خطاب به آن کسانی نمی گوئیم که هنوز در مواضع چپ روانه توده سینه آن خود استوار هستند. بحث ما بر آنکه، ما بر آنکه هر کس حق دارد در مواضع فکری خود استوار باشد. ما احتیاجی نداریم کسی را افوا کنیم یا با اصرار به تغییر جهت واداریم. ساخت حزب توده ایران از این نوع در بر زده سیاسی میری و مزه است.

مابین سخنان را در خطاب به آن کسانی میگوئیم که دیگر در مواضع چپ روانه توده سینه آن خود مانند سابق راسخ نیستند و در اندیشه روح آنها عناصر فکری نوی پیدا شده و بسط یافته است، ولی جاسکتی اندیشه های سنتی و مانوس، آنها را از تجدید موضع گیری سیاسی دور میگرداند. امید است این سطور، که با مصمیت رفیقانه نوشته شده، بتواند منشأ خدمتی باین دوستان شود.

پس از آنکه نسبت به صحت موضع گیری مسلکی خود اطمینان یافتم، از خود جسارت یا شجاعت مدنی نشان دادم. یعنی گاه، علیه غم نامساعد بودن محیط، علیه غم خرافات و پیشداوریها، از مواضع خود باروشی درست، با استدلال، با ادب و متانتی که خاص انقلابیون طراز نوین است، دفاع کنید. این مسئله جسارت و شجاعت مدنی در دوران ما حساسیت خاصی کسب کرده است. در صفوف چپ های صدیق، بسیاری از اوقات ما به کسانی برخورد می کنیم که دیری است به نادرستی راهی که در اثر فقدان تجربه کافی سیاسی برگزیده بودند، پی برده اند و متلا متوجه شده اند که مشی ارائه شده از طرف حزب توده ایران، یک مشی سنجیده و علمی است که در آن اصولیت و استواری انقلابی با نیش واقع گرایی در عمل با هم مزج و ترکیب شده است. پی برده اند، ولی به علل مختلف، آن «جسارت مدنی» را در خود سراغ ندارند که به تحول کیفی اندیشه سیاسی خود عمل کنند، آنرا اعلام دارند، از آن مدافعه بعمل آورند. نوعی همبستگی دوستانه، نوعی ترس از بهتانها و متلکها، نوعی احتیاط غیر منطقی، یا آنها را به سکوت و ادامه راه گذشته امیدوار حال آنکه مدتهاست شور و شوق خود را برای آنراه از دست داده اند. در اطراف حزب توده ایران پیشداوریهای فراوانی ایجاد شده است. طی دوران ظلمانی سلطنت مستبدانه، این پیشداوریها از همه سو، از طرف صتگاه، از طرف مردمان، از طرف توده سینه های حشره ای پخش میشد. برای اعلام آنکه، «من یک توده ای هستم»، نوعی شجاعت لازم بود. نخستین گروههای انقلابی جوان، که این شجاعت را در خود بیافته، یاران هوشناک تیزایی و توجیح حیدری بودند. آنها از دیوار شغلی جهل و خرافات توده ای با جسارت گذشتند و وجدان خود را از غرق شدن در توده و به سنگر واقعی رزم و اندیشه خود پیوستند.

پاکسازی ارگانهای انقلاب...

بقیه از صفحه ۱
پیدا زیدار امام خمینی، در روزیست و یکم مهرماه با دادستانها و حکام شرع، روند تازه ای برای پاکسازی ارگانهای اصلی انقلاب، یعنی کمیته ها و دادگاهها از عناصر مشکوک و ناپاب آغاز شده است.

روند استمداد دادستان تهران برای جلوگیری از هر چه در جیب قضائی، قطعه نامه سیماردادستانها و قضات شرع برای یکسان کردن احکام دادگاهها در مورد جرایم مشابه، پاکسازی و تبدیل کمیته ها به ستاد اطلاعات، اعلامیه دادستان انقلاب در مورد کسبیکه بدون مجوز وارد خانه مردم میروند، جریانات و تصمیماتی است که در اجرای امر مهم پاکسازی ارگانهای انقلاب تا کنون اعلام شده است.

ماضمن اعلام خرسندی از اجرای چنین امری، که همچنان از اهمیت حیاتی برخوردار است، تاسف عمیق خود را نیز اعلام میکنم. تاسف ما از این است که نه دولت، نه دادستانی انقلاب و نه هیچیک از دیگر ارگانهای رسمی و اجرائی کشور، گوشه ای برای شنیدن نظریات مردم و نیروهای مترقی و پادشاهان و پادشاهان در مورد توده ایران، ندارند. اگر چنین نبود، اگر از همان روزهای اول که حزب توده ایران، حزی یر سابق، که در گامی کارم مبارزهای ۳۸ ساله، تجربه های گرانقیمتی در مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع اندوخته است، خطر نفوذ عوامل مشکوک در کمیته ها و دادگاههای انقلاب را اعلام کرده، گوشه ای برایشنیدن این سخنان بود، اکنون بعد از آنکه ضد انقلاب تا کنون استفاده وسیعی از نفوذ عوامل خود در کمیته ها و دادگاهها برده، پاکسازی در دستور روز قرار نمیگیرد.

کمیته ها و دادگاههای انقلاب از قلب انقلاب ایران زایل شده و هنگامیکه انقلاب خونین ایران، در روزهای ۲۱ تا ۲۳ بهمن ۱۳۵۷، آخرین دژهای رژیم آریامهری را فرو ریخت، هزاران جوان انقلابی، که مسلمانان با رژیم خبیان و جنایت رژیم بودند، اقدام به تشکیل کمیته ها کردند. این واحدهای انقلابی، حفاظت امنیت مردم و دستگیری سرپرستان رژیم سابق را به عهده گرفتند و پارشات بی نظیری به انجام این کار، که ادامه وقوام انقلاب در گرو آن بود، پرداختند. یاسخ این اقدامات، از سوی بازماندگان رژیم سابق، گلوله و مرگ بود و شکی نبود که چندی پاسدار با گلوله ساواکیها به خون خود در غلطند.

ولی دیری نگذشت که امپریالیسم خونخوار آمریکا و بازمندگان رژیم سابق در یافتند که ایران گان یکی از بزرگترین یاوران انقلاب است و با آتش و خون هم کارش متوقف نمیشود. این بود که نیرنگ تازماری اندیشیدند و با سوء استفاده از حسن نیت جوانان انقلابی و آشفتنی روزهای بعد از انقلاب، لباس عاریتی اسلام و انقلاب به تن کردند و در سطح وسیعی به نفوذ در ارگانهای انقلاب، بویژه کمیته ها پرداختند.

عالم رژیم سابق، با استفاده از آشفتنی اوضاع، حتی اقدام به تشکیل کمیته گردن و راسا به خرابکاری دستگیری زبیر نام انقلاب پرداختند. نفوذ عوامل دشمن در ارگانهای انقلاب، به سرعت در آنها منعکس شد. اخبار دقیقی که مردم، بویژه اعضاء و هواداران حزب توده ایران در اختیار ما گذاشتند، نشان میداد که دشمن فعالیت وسیعی را برای تغییر ماهیت کمیته ها آغاز کرده است. «مردم» بلافاصله این توطئه ها را افش کرد. روز هیجدهم تیر، در شماره ۳۷ «مردم» نوشتیم: موضع انفجاری خرم آباد، نتیجه و نمونه ای از خرابکاری عوامل ناپاب و مشکوک در کمیته ها است.

از این پس، به شهادت شماره های «مردم»، حزب توده ایران پیگیرانه خواستار پاکسازی و تصفیه کمیته ها شد. جریان رویدادها

و از جمله انتخابات مجلس خبرگان هم صحت نظر ما را تأیید کرد. «مردم» در شماره پنجاهم خود، که روز ۱۷ مرداد منتشر شد، از مقام مسئول پرسید: «پاکسازی کمیته ها از عناصر ناپاب و مشکوک چه شده؟»

باینکه ما بارها اعلام کردیم که هدف دشمن از نفوذ در کمیته ها ایجاد بدبینی مردم نسبت به انقلاب و رهبری آن و ایجاد تفرقه در صفوف مردم است. این حرف ما ناشنیده ماند. کوفی ارگانهای اجرائی کشور منتظر بودند، توطئه دشمن به ثمر برسد و اثرات زیانبار خود را باقی بگذارد، تا بعد دست بکشوند. واقیبات نشان داد که پیش بینی حزب توده ایران درست بوده است. چند ماه بعد، عناصر ناپاب و مشکوک برخی از کمیته ها در دست بهار گانه های ضد انقلاب تبدیل کردند و برخی راهم تا آنجا که می توانستند به یار و برادرشان شدند. این واقیبات اسفناکین هر چند خیلی دیر، از زبان مسئولان کشور و مطبوعات هم اعلام شد. گوشه ای از این واقیبات چنین است:

«بعضی افراد بنام کمیته محلی را اختصاص به توقیف اشخاص داده و کسانی را به جهات مختلف برای مدتی بدون دستور دادستان، مقامات صلاح قضائی دادگستری و یادادسرای انقلاب بازداشت می نمایند و همچنین بدون داشتن نمایندگی از مراجع مزبور، در مقام کشف جرائم، به بازرسی منازل و تحقیق از افراد میپردازند. در بعضی موارد گزارش شده است که، بنام کمیته و پاسدار، در مقام جلوگیری از اجرای احکام و دستورات مقامات قضائی برآمده و مانع انجام وظیفه مأمورین انتظامی و ضابطین دادگستری میشوند.» (دادستان تهران - ۱۶ مهر - اطلاعات)

«حجت الاسلام لاهوتی صراحتاً گفته اند که پاسداران باید زیر نظر روحانیون باشند، در صورتی که اصلاً با هم که نماینده امام هستم، کوچکترین تماس ندارند و خودسرانه هر کاری دلشان میخواهد میکنند و علاوه بر اینها مطالبی هم بر علیه من میگویند و افراد مرا میگیرند و میبرند و زندانی میکنند و از آنها میپرسند، با من چه ارتباطی دارند. عیناً همان کار را می کنند که در گذشته ساواک انجام میداد ...»

در بعضی از کمیته ها افراد نابایی وجود دارند که به هیچ سراطی مستقیم نیستند و هیچ وجهی زیر بار یک مرکز تصمیم گیری و مدیریت نمیروند، چرا که اصلاً در مسیر انقلاب نیستند ... پس از بررسیها زیاد باین نتیجه رسیدیم که یکی از نمایندگان کمیته مرکزی صلاحیت عضویت در این دفتر را ندارد و از نماینده تریز هم یکی شان فاقد صلاحیت بود و همین دلیل به آقای کنی اطلاع دادیم و قبول کردند که باید این افراد تصفیه شوند.» (آیت اله قاضی نماینده امام در تریز - کمیته گان - ۱۶ مهر)

عباس سمیعی، استاندار استان مرکزی، در مصاحبه ای، اعضاء کمیته انقلاب اراک را مسئول ترورهای اخیر این شهر معرفی کرد و افزود: «اعضای کمیته مستقر در شهر پانی، زندان جدید و در حال پایان شهر پانی را بی اجازه اشغال کرده و در ماهه عام مردم را دستگیر میکنند و در این زندان مورد آزار و اذیت قرار میدهند. همچنین هتل شهرداری یوسپله همین افراد اشغال شده و خسارات زیادی متوجه این هتل و مستاجر آن گردیده است ...»

ضمناً کمیته «سنجان» ۷۰ نوازنده دوره گرد را دستگیر کرده پس از ایداع، برای ارجاع مشکل، با وجود گرفتاریهای استانداری در همین زمینه، به استانداری استان مرکزی فرستاده اند.

استاندار اضافه کرد: «افراد کمیته ها در امور کشاورزی هم دخالت و کار کشاورزان را مختل میکنند ...» همین دیروز نامه پر خشم سر اس دردی دریافت داشتیم



مخالفت اتحاد شوروی با برتری طلبی

یک کمیته ویژه سازمان ملل متحد بحث درباره پیشنهاد اتحاد شوروی در مورد مخالفت با هر گونه برتری طلبی را در جهان آغاز کرد. آژنده گرو میگویند خارج اتحاد شوروی، چند هفته پیش، در نظری در مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد کرده بود که سازمان ملل مسئله مخالفت با برتری طلبی در جهان و یادریک منطقه را مورد توجه قرار دهد.

از سوی دیگر پیشنهادهای اخیر لئونید برژنف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی در مورد کاهش شمار سربازان و تسلیحاتهای این کشور در جمهوری دموکراتیک آلمان، با استقبال محافظ ترقیخواه کشورهای اروپای غربی روبرو شده است. این کشورها پیشنهاد برژنف را کاملاً هم در راه تشییع زناهی اعلام کرده اند. اما محافل «داتو» همچنان در اجرای طرح این سازمان برای استقرار موشک های جدید هسته ای در اروپای غربی اصرار می ورزند. هواکوفنک، صد حزب کمونیست چین، نیز در جریان سفر خود به اروپای غربی، از نظر محافظ نظامی «داتو» حمایت کرد و در نظری در فرانسه خواستار افزایش بودجه نظامی «داتو» شد.

غارت روستاها در ویتنام توسط سربازان چینی

جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلام کرد که تجاوزهای مکرر چین به خاک این کشور خسارات مالی و جانی زیادی به ویتنام وارد کرده است. جمهوری سوسیالیستی ویتنام برای جبران این خسارات و مرمت خرابی ها، شدیداً تلاش می کند. در جریان حملات مکرر سربازان چینی به ویتنام، تعداد زیادی از روستاها غارت شده و زنان و کودکان به قتل رسیده اند. هدف اصلی از این حملات آن است که مردم ویتنام را از بازسازی کشور خود بازدارد. از سوی دیگر در مسکو موافقت نامه ای میان اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی ویتنام به امضاء رسیده که بموجب آن اتحاد شوروی آگاهی مرفی مورد نیاز ویتنام را در اختیار این کشور قرار میدهد.

تقویت رژیم سرسپرده قاپوس از جانب آمریکا

آمریکا رژیم سرسپرده سلطان قابوس را هر چه بیشتر تقویت می کند. منابع آگاه درواختکن اعلام کردند که آمریکا پیشنهاد کرده است که دوستان و پیچاه موشک هوا به هوا از نوع مسایرونیدر، در اختیار رژیم عمان قرار دهد. از سوی دیگر، به گزارش یکت روزنامه لبنانی، چند روز پیش عده زیادی از کارشناسان نظامی آمریکا وارد عمان شده اند. قرار است این کارشناسان نظامی قابوس را آموزش دهند. اکنون آمریکا برای سرهم بندی کردن یک پیمان نظامی تازه در خلیج فارس و حفظ منافع امپریالیسم، رژیم قابوس و رژیم ادجعی عربستان سعودی را مورد توجه قرار داده است.

آیا یک مالک بزرگ میتواند مجری اصلاحات ارضی انقلابی بسود دهقانان باشد؟

بقیه از صفحه ۱
آری، از جهت شخصی تعجبی ندارد که چنین وزیر، در این زمینه بسیار احساس و حیاتی، یعنی کشاورزی ما و حل مسئله مالکیت، نتواند متشاه عمل انقلابی باشد. اما از جهت منافع انقلاب چنین امری غیر قابل قبول است. میلیونها دهقان زحمتکش می خواهند و حق دارند که بتوانند انقلاب به میرم ترین و حیاتی ترین خواست آنها - زمین - پاسخ مثبت و فوری و قاطع دهند. خود انقلاب و لزوم حفظ آن از دستبردها و ضربه ها شدت انقلاب میطلبد که زمین عمل اربابان و بقایای رژیم سابق و ساواکیهای زیر نقاب از بین برود. و این ممکن نیست، مگر با اصلاحات عمیق و قاطع ارضی بسود دهقانان زحمتکش و بدور از کارشکنی های کسانی که نمی خواهند و نمیتوانند انقلابی عمل کنند.

وقفای کمیته مرکزی حزب توده ایران

سی و هشتمین سال تأسیس حزب توده ایران. حزب طبقه کارگر ایران و انتشار مجسد روزنامه مردم را به شما و اعضاء و هواداران حزب صمیمانه تبریک میگوئیم. آرزو میکنیم که در راه تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک میهنمان پیروز باشید.

هواداران حزب توده ایران بانه

حاکمی از اینکه افراد یک کمیته خانه زنی را محاصره کرده اند و با فریاد و ناسزا از او خواسته اند که قاسق خود را از خانه بدر آورده و در اختیار آنها بگذارد. و این زن، زنی مسلمان و در تدارک سفر حج بوده است! افراد کمیته ها جرم های فراوان مرتکب میشوند. اینکارها را چه چیز توجیه میکند؟

(انقلاب اسلامی - ۲۴ مهر)
این واقیبات که منشی نمونه خروار بود، تردید باقی نمیگذارد که کسانی که زیر لوای کمیته در دارک دست به ترور میزنند، خودسرانه به عملیات غیر قانونی در تریز میرد از ندو خانه مستضفان را محاصره میکنند، در بهترین شکل عملاً به ضد انقلاب کمک میکنند و در بدترین شکل خود عوامل ضد انقلاب اند، که به نام کمیته ها و پاسداران کار ضد انقلاب را انجام میدهند و در همان حال کمیته ها و پاسداران را بدنام میسازند.
هدف ضد انقلاب از اینگونه اعمال، همچنانکه بارها گفته ایم، ایجاد حرج و مرجع به شکلهای گوناگون، بدبین کردن مردم به انقلاب و تشییع رهبری انقلاب از این طریق است.
تنهارا مقابل با این نیرنگ دشمن، پاکسازی دقیق ارگانهای انقلاب از عمل رژیم سابق و افراد مشکوک و ناپاب است.

شکنجه گرو بی گناه؟! روزنامه کیهان، روز ۱۴ مهرماه در صفحه اول، به نقل از خبر نکار خود در تریز خبر عجیبی را منتشر کرده بود. خبر نتیجه محاکمه ۳ ساواکی در دادگاه انقلاب اسلامی تریز بود. خبر عیناً این بود: «مصطفی حمیدی پاسدار و شکنجه گرو ساواک تریز یگانه شناخته شد و تبرئه شد.» در حالیکه در همین دادگاه چند شکنجه گرو به اعدام و چند شکنجه گرو دیگر به حبس محکوم شده اند، معلوم نیست این شکنجه گرو آخری چگونه بیگناه بوده است!

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد